

تأثیر شخصیت مستبدانه والدین بر مشارکت مدنی زنان

مریم زارعیان^۱، خدیجه سفیری^۲

دریافت: ۱۳۸۷/۱۱/۱۲ پذیرش: ۱۳۸۸/۲/۲۰

چکیده

مشارکت مدنی به عنوان شاخص توسعه در جوامع نوین امروزی است. سطح پایین مشارکت مدنی زنان ایرانی به عنوان نیمی از جامعه یکی از مسائل مهم جامعه ایران است که بررسی آن می‌تواند ما را به سرمنشأ و عوامل بازدارنده این موضوع رهنمون کند. بدون شناخت موانع و برنامه‌ریزی در جهت ارتقای آن، مدیریت نهادمندی اجتماعی و گسترش مشارکت شهروندان میسر نخواهد بود. موضوع این مقاله بررسی جامعه-شناختی تأثیر شخصیت مستبدانه والدین بر مشارکت مدنی زنان است. در بخش توصیف و تحلیل داده‌ها وضعیت استبداد والدین و ورودی‌های حاصل از فرایند اجتماعی شدن زنان، ارزش‌ها و نگرش‌ها، میزان آمادگی زنان برای عمل اجتماعی تشریح شده است. علاوه بر توصیف دو متغیر مذکور رابطه بین این دو موضوع بررسی شده است. جامعه آماری دانشجویان دختر رشته‌های غیر پزشکی دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵ می‌باشد. ابزار تحقیق پرسش‌نامه است.

کلید واژه‌ها: شخصیت مستبدانه، مشارکت مدنی.

مقدمه و بیان مسأله

مشارکت مدنی به معنای همکاری مردم با نهادهای مدنی غیروابسته به دولت (NGOs) و یا عضویت در این گونه نهادها یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های توسعه در جوامع نوین است. روند رو به رشد مشارکت مدنی در جوامع توسعه یافته ما را به این مسأله هدایت می‌کند که مشارکت مدنی مردم به-ویژه زنان جامعه که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، چگونه است و چرا؟ مشارکت اجتماعی افراد در طول تاریخ تابعی از شرایط و عوامل مختلف ذهنی و عینی بوده است که پایه بسیاری از این عوامل در خانواده گذارده می‌شود. استبداد به عنوان وسیله‌ای برای جامعه پذیر کردن، کنترل اجتماعی، اعمال قدرت، مجاب سازی، مدیریت و تحت انقیاد در آوردن دیگران شناخته شده است که اگر در خانواده اعمال شود به سبب اینکه در ساختار خانواده، انواع تعاملات بین فردی اعم از روابط مبادله‌ای (A)، قدرتی (B)، ارتباطی (I) و گفتگویی (L) انجام می‌پذیرد (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۸)، احتمال زیادی وجود دارد که نگرش‌ها و رفتار آینده فرزندان را تحت تأثیر قرار دهد. استبداد به عنوان سیاستی نامطلوب برای سلطه بر دیگران و محدود کردن آزادی‌های آنان از دیر باز تا کنون در

maryamzareian@yahoo.com

safari@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

۲. دانشیار دانشگاه الزهرا

ایران وجود داشته است و خود منشأ بسیاری از نقصان، کمبودها و ناهماهنگی‌ها در نظام کل و خرده نظام‌های جامعه بوده است، خانواده ایرانی نیز با استبداد به عنوان وسیله‌ای برای کسب موفقیت و دست پیدا کردن به هدف عجین گشته است. از آنجا که زنان ایرانی صرف‌نظر از آنکه به چه گروه طبقه و قومیتی تعلق داشته‌اند، همواره درون خانواده‌ای پرورش یافته‌اند که استبداد مردانه جزء شاخص‌های آن بوده است. این نابرابری جنسیتی به عنوان یکی از عناصر پنهان سلطه رسمی آثار منفی بر حیات اجتماعی زنان باقی گذارده است، به طوری که علی‌رغم رشد فعالیت‌های مدنی و مساعد بودن شرایط برای مشارکت مدنی و توسعه نهادهای غیروابسته به دولت، مشارکت زنان در پایین‌ترین سطح خود به سر می‌برد. بنابراین در جامعه در حال گذار امروزی، تحلیل جامعه‌شناختی مشارکت مدنی زنان و بررسی علل پنهان آن می‌تواند با تولید داده‌ها و ایده‌های جدید مهندسان اجتماعی را در جهت برنامه‌ریزی برای ارتقای آن یاری کند.

چارچوب نظری

خانواده یکی از نهادهای مهم اجتماعی است که قدمت زیادی در تاریخ بشر دارد. همه محققان در این مورد به نقش اساسی خانواده اذعان دارند و حتی بعضی از آن‌ها معتقدند تأثیر خانواده می‌تواند از همه کارگزاران دیگر بیشتر باشد. بحثی که در میان جامعه‌شناسان در مورد نقش خانواده وجود دارد پیرامون نحوه و میزان تأثیری است که خانواده در روند جامعه‌پذیری به عهده می‌گیرد. عوامل جامعه‌پذیری به میزان قابل توجهی در نگرش‌ها، ارزش‌ها و شناخت افراد مؤثرند و نگرش‌ها، ارزش‌ها و شناخت افراد را تشکیل می‌دهد و آن‌ها را تصحیح و تکمیل می‌کنند. به تعبیر مایکل راش این سه به عنوان سرندهای ادراکی عمل می‌کنند که در میزان مشارکت سیاسی اجتماعی افراد تأثیرگذار اصلی هستند. (راش، ۱۳۷۷: ۶۵).

آلموند و وربا معتقدند نخستین تجربه مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خانواده می‌تواند احساس کودک را در مورد صلاحیت خویش تقویت کند. مهارت‌های لازم را برای تعامل اجتماعی در آینده را در وی به وجود آورد و در سنین بلوغ فرد را به مشارکت فعال در نظام اجتماعی تشویق کند. هم‌چنین آلموند و وربا معتقدند بین مشارکت در تصمیمات خانواده و احساس بزرگ‌سالان در مورد صلاحیت سیاسی رابطه وجود دارد، آن‌هایی که در تصمیم‌گیری خانواده شرکت داشته‌اند، به طور متوسط بیشتر احساس اثرگذاری به عنوان موجودی آزاد و خردمند می‌کنند و در این صورت تمایل بیشتری برای خدمت به جامعه از خود نشان می‌دهند (Almond, 1963: 14). در خانواده مستبد، خودکامه و خودرأی، تصمیم‌گیرنده و تعیین‌کننده نهایی یک نفر است و به افراد دیگر اجازه اظهار عقیده و انتخاب و تصمیم‌گیری داده نمی‌شود، در چنین شرایطی اگر فرد مطابق با هنجارهای جامعه سعی نماید اظهار نظری کند و تصمیم‌گیری و انتخاب داشته باشد، خانواده تصمیمات وی را بی‌اعتبار می‌داند و به خاطر آن که بدون اجازه والدین کاری کرده است، مورد تنبیه و توبیخ واقع می‌شود. والدین می‌خواهند در کوچکترین مسأله برای او تصمیم بگیرند، تا مبادا او اشتباه کند و هنجارهای رایج را نقض کند. به نظر آن‌ها بچه همیشه بچه است، در این صورت همیشه باید تحت نظارت و انقیاد باشد و همان‌گونه که

کولی می‌گوید این فرد خود را آن‌چنان می‌بیند که برایش تعریف شده است؛ یعنی کسی که در هر لحظه اگر نظارت بزرگتری نباشد، بی‌شک اشتباه می‌کند. در نتیجه نگاه او در درجه نخست نسبت به خود و در درجه بعدی نسبت به انسان این است که او موجودی است که آزادی او با درست انجام دادن امور منافات دارد. مشارکت مدنی به عنوان کنشی اجتماعی در اندیشه پارسونز نیازمند انگیزه هدف و شرایط تحقق است (Hamilton, 1983: 56). می‌توان گفت انگیزه و هدف که متغیرهای درونی کنش-گر هستند در خانواده تکوین پیدا می‌کند. از آنجایی که اعضای خانواده مستبد به موقعیت‌هایی مواجه بودند که آن‌ها را به این نتیجه رهنمون ساخته است که تصمیم‌گیری بدون اجازه والدین منجر به سرزنش قهر بی‌مهری، بی‌اعتنایی و یا تنبیه و توبیخ می‌شود، در این صورت افراد برای پیش‌گیری از چنین نتایجی رفتاری را در پیش می‌گیرند که اگر نیاز تحقق خویشتن و استقلال در آن‌ها ارضا نمی‌گردد، نیازهای اساسی‌تری چون عزت نفس، امنیت، تعلق و یا حتی نیازهای فیزیولوژیکی او خدشه دار نگردد، چیزی نخواهد، آرزویی نداشته باشد، نقشه و طرح و برنامه‌ای نداشته باشد. در این صورت طبق تئوری تبادل هومنز، پاداش خود را دریافت کرده است و این پاداش، یعنی رفتار مطلوب‌تر والدین، انگیزه او را برای تکرار عمل تقویت می‌کند (ریترز، ۱۳۷۶: ۳۲۶) پس او با روش آزمایش و خطا یاد می‌گیرد که از این پس مطیع و فرمانبردار باشد و هیچ‌گاه خودسر تصمیم نگیرد، نتیجه این کنش خرد در خانواده نبود هدف و انگیزه کافی برای کنش‌های اجتماعی خارجی است که به نوعی مشارکت مدنی را در برمی‌گیرد.

مطابق دیدگاه نمادی در تحلیل کنش افراد باید به جهان نمادین کنش‌گران، یعنی باورها، ارزش‌ها و گرایش‌های آن‌ها توجه شود. از آنجایی که مشارکت مدنی افراد نوعی کنش اجتماعی است، می‌توان معنای ذهنی موردنظر وبر را برای این کنش بررسی کرد. وی برای فهم معنای کنش فهم معنای ذهنی را ملزم می‌داند، او پدیده‌های سنتی را محصول کنش سنتی می‌داند و اقتدار پدرانه را قدیمی‌ترین شکل قدرتی معرفی می‌کند که از لحاظ اجتماعی بین دو طرف اقتدار، یعنی صاحب اقتدار و تابع اقتدار مشروعیت ایجاد می‌کند در این صورت پدر بر همه اعضای خانواده سلطه پذیرفتنی دارد. این سلسله مراتب قدرت درون خانواده مانع از مشارکت افراد در تصمیمات خانواده و شرکت در امور خارج از خانواده شده است (Jackson, Scott, 2000: 43).

مطابق با نظر بوردیو، پرورش افراد در محیط‌های اجتماعی مختلف برای آن‌ها ساختمان‌های ذهنی متفاوتی ایجاد می‌کند که در نتیجه افرادی که در خانواده‌ها و محیط‌های اجتماعی متفاوت از هم پرورش یافته‌اند، به‌گونه‌ای متفاوت به جهان نگاه می‌کنند و آن را درک می‌کنند و بنابراین افرادی که در خانواده‌های مستبد پرورش یافته‌اند ساختمان ذهنی سلسله مراتبی و عمودی دارند و افرادی که در خانواده‌های دموکراتیک تربیت شده‌اند دارای ساختمان ذهنی افقی و در این صورت نگاه و برخورد آن‌ها نیز به جهان بیرونی با هم کاملاً متفاوت است و از آنجا که زمینه قدرت که جایگاه این دو گروه از افراد است با هم متفاوت است، آن‌ها دارای سرمایه‌های اجتماعی متفاوت از هم خواهند بود (ریترز، ۱۳۷۹، ۷۹۶). در ساختمان ذهنی دختران خانواده مستبد عدم مشارکت زنان در تصمیمات خانواده، خانه‌داری و نداشتن حق و حقوقی در خانواده درونی شده است و در این صورت این افراد در مواجه شدن با جهان اجتماعی شان مطابق پیش فرض‌های ساختمان ذهنی‌شان عمل می‌کنند هم‌چنین از

آنجایی که والدین مستبد بهره‌مندی از امکانات بیرون از خانه و تماس‌های اجتماعی را برای اعضای خود محدود می‌کنند، اعضایشان را در مورد سرمایه‌های کلی در مقایسه با افراد دیگر در محدودیت قرار می‌دهند که البته این محدودیت برای دختران و زنان بسی بیشتر از مردان است. پیر بوردیو معتقد است هر کس برحسب میزان سرمایه کلی و سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی در آن پایگاهی قرار می‌گیرد که افرادی که از لحاظ سرمایه کلی با او مشابه‌اند، در آن پایگاه می‌باشند. افراد دارای پایگاه مشابه و تعاملات مشترک از عادت واره^۱ و الگوی کنشی نسبتاً همسو و هماهنگ برخوردارند (Bourdieu 25 : 1996). با توجه به دیدگاه بوردیو می‌توان گفت که بین زنان ایرانی و مردان ایرانی از لحاظ سرمایه کلی تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین دارای پایگاه‌ها و عادت واره‌های متفاوت هستند که در کم و کیف فعالیت‌های مدنی آنان نمود پیدا می‌کند و در این صورت برای ارتقای مشارکت مدنی زنان رفع تبعیض و نابرابری بین مردان و زنان و خود زنان از لحاظ سرمایه کلی ضروری است. از این رو می‌توان گفت که خانواده متناسب با نحوه ارتباط و طرز برخورد اعضا با یکدیگر سایر نهادها را شکل می‌دهد، و رنگ می‌بخشد، هر چند که خود از نهادهای دیگر نیز متأثر می‌شود.

متغیر مشارکت مدنی^۲ زنان متغیر وابسته مورد توجه این مقاله است که منظور از آن هر نوع همکاری پذیرش عضویت، کمک فکری، حمایت معنوی، کمک مالی، حضور در برنامه‌ها قبول مسئولیت اجرایی و هرگونه فعالیتی است که زنان در ارتباط با نهادهای مدنی اعم از فرهنگی (انجمن‌های مذهبی، هنری، علمی و... اجتماعی (شوراهای اجتماعی، انجمن‌های خیریه و...) سیاسی (احزاب و گروه‌های سیاسی مستقل) و زیست محیطی (انجمن‌های دفاع از محیط زیست...) دارند. دو متغیر همکاری و عضویت به عنوان شاخص‌های مشارکت مدنی در نظر گرفته شده است.

شخصیت مستبد^۳ به عنوان متغیر مستقل تحقیق می‌باشد که با جمع‌بندی تعاریف و شاخص‌های مطرح شده نظریه پردازان مفهوم شخصیت مستبد دارای شاخص‌های زیر می‌باشد: خود کامگی و خود رأی بودن همراه با سلطه‌جویی، پرخاشگری مستبدانه، ضد درون‌گرایی، اطاعت مستبدانه، رفتار قالبی .

فرضیه‌های اصلی

- ۱- شخصیت مستبدانه والدین سبب عدم مشارکت فرزندان در تصمیمات خانواده می‌شود؛
- ۲- عدم مشارکت در تصمیمات خانواده بر پنداشت دانشجویان دختر از اعیان فرهنگی اجتماعی اثر دارد. زنانی که در تصمیمات خانواده مشارکت دارند، پنداشت عام‌تری از اعیان فرهنگی - اجتماعی دارند؛
- ۳- انقیاد کامل دختران در خانواده بر احساس آن‌ها از محیط هنجاری تأثیر دارد. دخترانی که در خانواده تحت اقیاد کامل فرزندان قرار دارند، احساس دانایی آزادی احترام عدالت کمتری می‌کنند.

-
- 1 . Habitus
 - 2 . Civil Participation
 - 3 . Despotism Personality

۴- نگرش‌های زنان از مشارکت و میزان آمادگی آن‌ها برای عمل بر تمایل آن‌ها به مشارکت مدنی مؤثر است.

روش شناسی

جامعه آماری، دانشجویان دختر مشغول به تحصیل در دانشکده‌های دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۱۳۸۵-۸۶ است که با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای چند مرحله‌ای حجم نمونه تعیین و انتخاب شده است. با این روش که ابتدا حجم نمونه بررسی شده به دست آورده شد. سپس با توجه به تعداد دانشجویان دختر هر دانشکده، تعداد نمونه مربوط به هر دانشکده مشخص گردید. در مرحله بعد با توجه به تعداد دانشجویان دختر هر رشته و هر سال تعداد نمونه مربوط به هر گروه مشخص شد و سپس به روش تصادفی نمونه‌ها انتخاب شدند. ابزار پژوهش، پرسش‌نامه بود که سؤال‌ها به صورت مقیاس‌های چند گویه‌ای مطرح شد. در این روش علاوه بر بالا بردن میزان پاسخگویی، امکان به‌کارگیری آزمون‌های پیشرفته آماری را فراهم می‌کرد. پرسش‌نامه شامل ۳ دسته سؤال است که به-وسیله دانشجویان تکمیل شد و هم‌چنین شامل سؤالاتی بود که هدف آن سنجش میزان شخصیت مستبدانه والدین، سؤالاتی درباره مشارکت مدنی زنان و سؤالاتی درباره فرآیند اجتماعی شدن زنان را تشکیل می‌داد.

توصیف و تحلیل داده‌ها

توصیف داده‌ها

میزان اعمال استبداد والدین بر فرزندان به ۳ دسته تقسیم شد، سپس این سه گروه با کم، متوسط و زیاد از هم متمایز شدند. توزیع نحوه رفتار والدین با فرزندان در این نمونه به این صورت می‌باشد. هم‌چنین مشارکت مدنی نیز به ۳ دسته کم متوسط زیاد تقسیم شدند که توزیع فراوانی آن به صورت زیر می‌باشد.

جدول ۱: توزیع فراوانی استبداد والدین و مشارکت مدنی فرزندان

استبداد والدین	فراوانی	درصد	مشارکت مدنی	فراوانی	درصد
کم	۹۹	۲۴/۳	کم	۱۸۰	۴۳/۹
متوسط	۲۴۰	۵۸/۷	متوسط	۱۶۵	۴۲/۱
زیاد	۷۰	۱۷	زیاد	۶۵	۱۵
جمع	۴۱۰	۱۰۰	جمع	۴۱۰	۱۰۰

جدول ۳ نشان‌دهنده وضعیت جمعیت نمونه از لحاظ نوع احساس از محیط هنجاری و احساسات و نگرش‌ها می‌باشد و همچنین نشان‌دهنده آن است که حدود ۵۷٪ از لحاظ احترام و امنیت اجتماعی حدود ۶۴٪ از لحاظ برابری در دست پیدا کردن به امکانات و خدمات مورد نیاز همچون شغل مناسب، درآمد کافی و غیره احساس متوسط رو به پایینی دارند و ۶۴٪ نسبت به آزادی عقیده و عمل و ۵۰٪ از لحاظ وجود عدالت در عملکرد ساختارهای فرهنگی، اجتماعی سیاسی و اقتصادی احساس نسبتاً منفی دارند و حدود ۵۰٪ از حقوق شهروندی و حقوق متقابل دولت و مردم آگاهی کمی دارند و حدود ۴۰٪ نسبت به مشارکت سیاسی و دموکراسی نگرش مثبتی نداشته و فقط در حدود ۱۰٪ زنان آمادگی بالایی برای مشارکت فعال داشته‌اند.

جدول ۲: نظر دانشجویان بررسی شده از لحاظ احساس از محیط، ارزش‌ها و نگرش‌ها

متغیرها	کم	متوسط	زیاد
احساس احترام و امنیت	۵۷/۲٪	۳۴/۵٪	۸/۳٪
احساس برابری	۶۴/۲٪	۳۱/۲٪	۴/۶٪
احساس آزادی	۶۳/۷٪	۳۲/۱٪	۵/۲٪
احساس عدالت	۵۰٪	۳۹/۹٪	۱۰/۱٪
میزان آگاهی از حقوق شهروندی	۴۵/۸	۴۲/۴	۱۱/۸
میزان آگاهی از حقوق و وظایف دولت	۵۵/۱	۴۰/۸	۵/۷
نگرش مثبت به مشارکت سیاسی	۴۰/۱	۵۲	۷/۹
نگرش مثبت به دموکراسی	۴۵/۸	۴۲/۴	۱۱/۸

جدول ۳: نظر پاسخ‌گویان از لحاظ پنداشت از محیط

متغیرها	موافق	مخالف
انسان موجودی خردمند است و باید آزاد باشد.	۴۳/۷	۵۶/۳
زن باید به امور خانه‌داری بپردازد.	۲۸/۴	۷۱/۵
لزوم وجود دولت مقتدر	۲۴/۹	۷۵/۱

جدول ۳ نشان می‌دهد حدود ۲۸ درصد از دانشجویان دختر هنوز زن را کسی می‌داند که باید به امور خانه‌داری بپردازد و کار بیرون از خانه را به مردان واگذار کند. ۲۵ درصد از آنها دولت اقتدارگرا حداکثری می‌پسندد که می‌تواند درباره ملت تصمیم بگیرد و مردم هم باید از آن پیروی کنند.

جدول ۴: نظر پاسخ‌گویان از لحاظ آمادگی برای عمل

متغیرها	دارد	ندارد
آمادگی برای خدمت به پیشرفت کشور	۳۲/۹	۶۷/۱
تمایل به مشارکت مدنی، همکاری با نهادهای مدنی	۷۴/۳	۲۵/۷
عضویت در نهادها	۱۵/۱	۸۴/۳

حدود ۳۰ درصد از جمعیت دانشجویان در فعالیت‌های داوطلبانه غیر رسمی شرکت دارند، ۲۰ درصد از آن‌ها دارای مشارکت مدنی هستند و با نهادهای غیر وابسته به دولت مانند انجمن‌های فرهنگی احزاب و گروه‌های غیروابسته به دولت همکاری می‌کنند و فقط ۱۵ درصد از آن‌ها در نهادهای مدنی عضویت دارند.

با انجام تحلیل واریانس بین متغیرهای عدم شرکت در تصمیمات خانواده با احساسی که از محیط هنجاری دارند و پنداشت از اعیان فرهنگی اجتماعی، اثرگذاری متغیر عدم شرکت در تصمیمات خانواده بر احساس منفی فرزندان دختر از محیط هنجاری و هم‌چنین پنداشت منفی از اعیان فرهنگی اجتماعی معنادار بود و نیز اثرگذاری متغیر انقیاد کامل فرزند با دو متغیر مذکور تأیید گردید.

همان‌طور که بررسی‌های ما نشان می‌دهد، خروجی‌های حاصل از نوع شخصیت والدین بر نوع احساس آن‌ها از محیط هنجاری، پنداشت آن‌ها از اعیان فرهنگی و اجتماعی و در نتیجه ارزش‌ها و نگرش‌ها و نظام شخصیتی اثرگذار است. نظام شخصیتی به عنوان مجموعه تمایلات شکل یافته و منظمی که از تعامل ارگانیزم با نظام اجتماعی به ویژه فرهنگ پدید می‌آید، اصلی‌ترین خروجی حاصل از شخصیت والدین است که خود این نظام شخصیتی دارای کارکرد و خروجی خاصی است که به صورت آمادگی برای عمل در زندگی روزمره فرد نمود پیدا می‌کند.

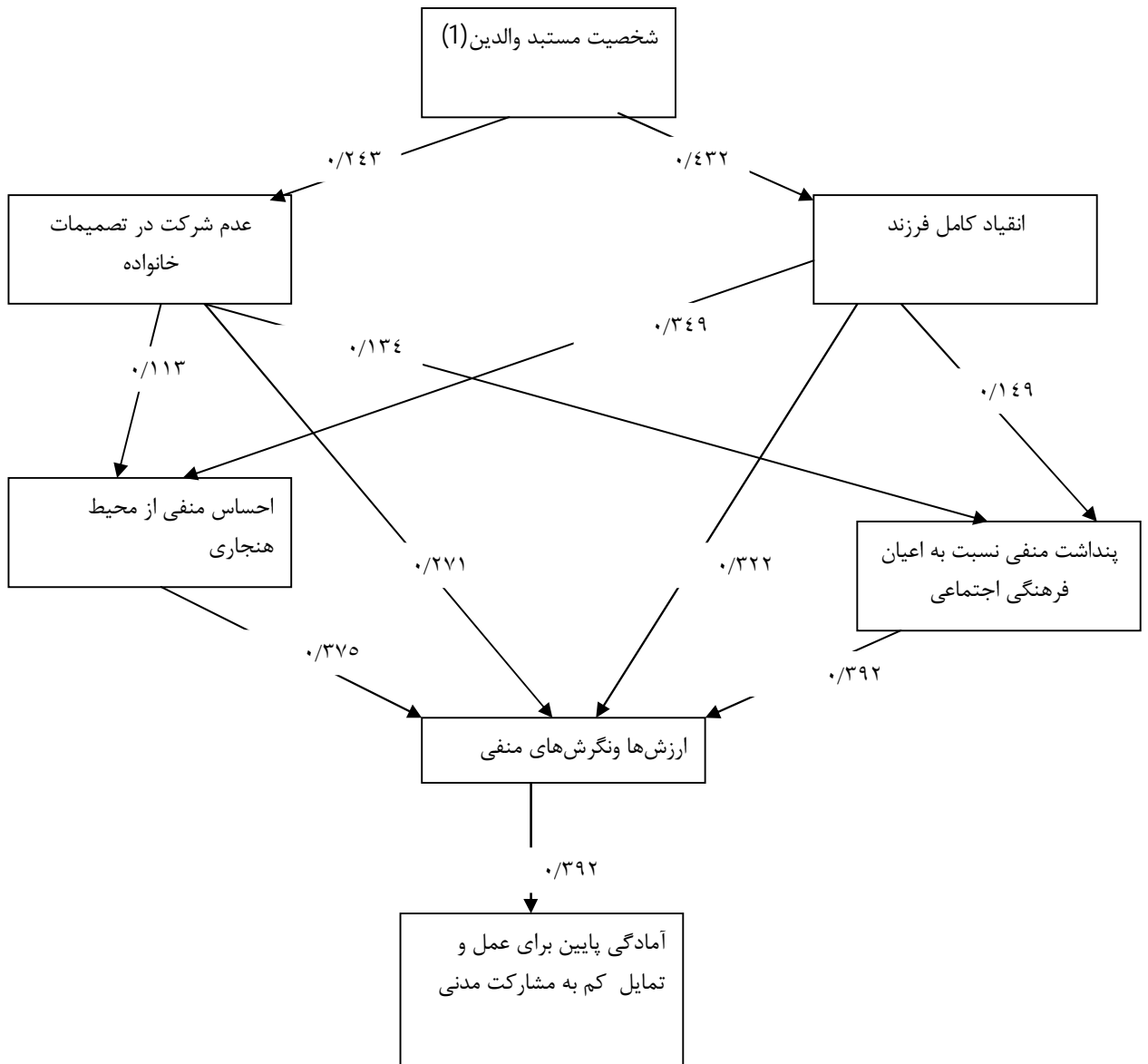
تحلیل دو متغیری مشارکت مدنی زنان با متغیرهای مستقل

بر اساس نتایج تحلیل دو متغیری می‌توان گفت که مشارکت مدنی زنان با عدم مشارکت در تصمیمات خانواده، انقیاد کامل فرزند، احساسی که از محیط هنجاری دارند، پنداشت آن‌ها از اعیان فرهنگی اجتماعی ارزش‌ها و نگرش‌ها و خروجی حاصل از نظام شخصیتی آنان یعنی آمادگی برای عمل رابطه دارد. پس دانشجویان دخترانی که در خانواده‌های مستبد پرورش یافته‌اند و در تصمیمات خانواده مشارکت کمتری داشته‌اند و تحت انقیاد بیشتر والدین اجتماعی شده‌اند، احساس منفی‌تری از محیط اجتماعی خود دارند و ارزش‌ها و نگرش‌های خاص‌تری پیدا می‌کنند و آنان آمادگی کمتری برای مشارکت مدنی از خود نشان می‌دهند.

جدول ۵: سنجش رابطه مشارکت مدنی زنان با منتخبی از متغیرهای مستقل

سطح معنی داری	گاما	ضریب تاو کندال	متغیرها
۰/۰۴۷	-۰/۱۳۲۳	-۰/۰۵۴۱	احساس احترام و امنیت (۱-کم، ۲-متوسط، ۳- زیاد)
۰/۰۰۰	-۰/۱۳۵	-۰/۱۶۲۲	احساس برابری (۱-کم، ۲-متوسط، ۳- زیاد)
۰/۰۰۰	-۰/۳۱۱۲	-۰/۱۶۷	احساس آزادی (۱-کم، ۲-متوسط، ۳- زیاد)
۰/۰۰۲	-۰/۲۳۱۴	-۰/۲۳۱	احساس عدالت (۱-کم، ۲-متوسط، ۳- زیاد)
۰/۰۰۲	-۰/۲۳۲۲	-۰/۱۱۳	انسان موجودی خردمند است و باید آزاد باشد. (۱- بسیار موافق، ۴- بسیار مخالف)
۰/۰۰۰	۰/۶۰۷۴	۰/۳۳۰۳	زن باید به امور خانه داری بپردازد. (۱- بسیار مخالف، ۴- بسیار موافق)
۰/۰۰۰	-۰/۳۷۱۰	-۰/۱۳۷۳	میزان آگاهی از حقوق شهروندی (۱-کم، ۲- متوسط، ۳- زیاد)
۰/۰۰۰	-۰/۴۵۱۲	-۰/۲۰۹	میزان آگاهی از حقوق و وظایف دولت (۱-کم، ۲-متوسط، ۳- زیاد)
۰/۰۰۰	۰/۴۷۹۱	۰/۲۵۷۸	نگرش به مشارکت سیاسی (۱- مثبت، ۲- متوسط، ۳- منفی)
۰/۰۰۲	۰/۵۱۰۲	۰/۲۵۲۷	نگرش به دموکراسی (۱- مثبت، ۲- متوسط، ۳- منفی)
۰/۰۰۰	۰/۲۵۶۸	۰/۱۳۴	آمادگی برای خدمت به پیشرفت کشور (۱- بسیار کم، ۴- بسیار زیاد)
۰/۰۰۰	۰/۸۶۷۵	۰/۴۳۲۵	تمایل به مشارکت مدنی، همکاری با نهادهای مدنی (۱- خیر، ۲- بله)
۰/۰۰۲	۰/۶۳۵۲	۰/۳۲۱۵	عضویت در نهادها (۱- خیر، ۲- بله)

همان گونه که در مدل نظری مشاهده می شود با وارد کردن همه متغیرهای مستقل مقدار R^2 به بیش از ۲۹٪ ارتقا پیدا کرد. پس می توان گفت مجموعه متغیرهای مورد توجه در چارچوب مفهومی مورد توجه حدود ۳۰ درصد تغییرات مشارکت مدنی زنان را تبیین و قابل پیش بینی می کنند.



نتیجه‌گیری از تحلیل داده‌ها

پیامدهای منفی نابرابری جنسیتی و استبداد در خانواده و موقعیت و نقش نابرابر زنان در خانواده در مقایسه با مردان باعث ایجاد احساس عدم برخورداری از منابع ارزشمند ناآگاهی از حقوق و وظایف شهروندی و پایین بودن میزان رشد نظام شخصیتی به‌ویژه در ابعاد سیاسی و فرهنگی و در نتیجه ضعف

مشارکت جمعی زنان شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد حدود ۲۸ درصد از دانشجویان دختر هنوز زن را کسی می‌داند که باید به امور خانه‌داری بپردازد و کار بیرون از خانه را به مردان واگذار کند. ۲۵ درصد از آن‌ها دولت اقتدارگرای حداکثری می‌پسندد که می‌تواند درباره ملت تصمیم بگیرد و مردم هم باید از آن پیروی کنند. این امر زنان را در جهت بازتولید وضعیتی سوق می‌دهد که شاخص آن نابرابری جنسیتی است و حدود یک چهارم جمعیت نمونه با آن موافق هستند و آن‌ها را از پرداختن به کنش‌های عقلانی‌رهایی بخش در جهت تحقق مفهوم شهروندی، یعنی انسان دارای حقوق و وظایف برابر و ایده دولت - ملت، یعنی دولت مردم‌سالار پاسخ‌گو باز می‌دارد.

امروزه دانشجویان دختر ایرانی با اینکه از لحاظ پایگاه اجتماعی، یعنی تحصیلات در مقایسه با مادران خود وضعیت بهتری پیدا کرده‌اند ولی در مقایسه با مردان و حتی شوهران خود دچار تأخر و پس افتادگی بسیار زیادی هستند. در بین زنان تحصیل‌کرده بیش از ۸۰ درصد در مشاغل اداری و دفتری رده پایین کم درآمد فعالیت می‌کنند. پایین بودن میزان اشتغال و نوع مشاغل زنان در مقایسه با مردان بیانگر این واقعیت است که برای اشتغال و ارتقای آن تنها تحصیلات کافی نیست؛ زیرا بخش قابل توجهی از زنان دارای تحصیلات برابر با مردان نتوانسته‌اند وارد بازار کار شوند و درصد کمی که وارد بازار کار شده‌اند در مقایسه با مردان از دست پیدا کردن به مزایایی که مردان هم سطح آن‌ها دست یافته‌اند، محروم مانده‌اند.

بر اساس یافته‌های به دست آمده از تحلیل‌های چند متغیری انجام شده در این پژوهش می‌توان گفت مشارکت مدنی در بین زنانی که از لحاظ وضعیت اجتماعی شدن در خانواده‌هایی پرورش یافته‌اند که شخصیت دموکراتیک داشته‌اند و باعث ارتقای شاخص‌های احساسی ادراکی ارزشی و هنجاری فرزندان شده‌اند، رواج بیشتری دارد. همانگونه که بوردیو می‌گوید هرکس بر حسب میزان سرمایه کلی و سرمایه اجتماعی مانند مهارت‌های فکری و اعتماد اجتماعی در آن پایگاهی و در جوار کسانی قرار می‌گیرد که از لحاظ سرمایه کلی با او مشابه هستند (Bourdieu, 1996 : 85). و خانواده به عنوان یکی از نهادهای شکل‌دهی مهم عادت‌واره افراد می‌تواند تفاوت معناداری در سرمایه کلی دختران به وجود آورد که در کم و کیف فعالیت مدنی آن‌ها نمود پیدا می‌کند. به این صورت احساسی که زنان در ارتباط با میزان بهره‌مندی خود از عملکرد ساختارهای فرهنگی اجتماعی سیاسی و اقتصادی رسمی و غیر رسمی غالب در جامعه پیدا می‌کنند در فعالیتهای آنان مؤثر است. زنانی که احساس دانایی احترام و امنیت آزادی برابری و عدالت کمتری دارند، کمتر به مشارکت مدنی روی می‌آورند؛ زیرا اینان به طور کلی توسل به نهادهای رسمی و غیر رسمی را برای تحقق آرمان‌ها و منابع ارزشمند خود بی‌فایده می‌دانند.

نوع پنداشتی که زنان از واقعیت‌ها و اعیان فرهنگی و اجتماعی نظیر انسان (مرد و زن) دولت و ملت پیدا می‌کنند در تعاملات آنان مؤثر است. چنین به نظر می‌رسد که نوع برخورد زنان با واقعیت‌ها و اعیان فرهنگی و اجتماعی بیشتر از آنکه تابع خود آن واقعیت‌ها باشد تابع پنداشتی است که آنان از آن واقعیت دارند. بنابراین زنانی که انسان را موجودی خردمند و آزاد می‌دانند و بین زن و مرد از لحاظ حقوق و وظایف شهروندی تبعیضی قائل نیستند، دولت را نهادی مردم‌سالار می‌دانند و به دموکراسی خوش‌بین هستند و برای مردم حقوق شهروندی نظیر حق دسترسی به اخبار و اطلاعات صحیح، حق

تشکیل اجتماعات، حق نظارت بر دولت، حق برخورداری از حداقل امکانات زندگی قائل هستند، بیشتر مشارکت مدنی دارند. ارزش‌ها و نگرش‌های دانشجویان دختر که حاصل احساسات و پنداشت‌های آنان است، خود در کم و کیف مشارکت مدنی مؤثر است. نظام شخصیتی به عنوان حاصل فرایند اجتماعی شدن افراد در مهم‌ترین نهاد اجتماعی، یعنی خانواده خود در تنظیم و هدایت کنش‌های افراد تأثیرگذار است. خود نظام شخصیتی دارای ابعاد فرهنگی اجتماعی اقتصادی و سیاسی است که می‌توان گفت هر چه توسعه هر کدام از این ابعاد بیشتر صورت گرفته باشد، همکاری شخص با نهادهای مدنی بیشتر خواهد بود. آمادگی برای عمل اجتماعی و انجام آن حاصل نظام شخصیتی است که شاخص‌های مشارکت مدنی می‌باشد.

منابع

- آلموند گابریل و پاول. گ. بینگهام (۱۳۷۵) «جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی»، ترجمه: علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال یازدهم، شماره ۵ و ۶.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵) جامعه‌شناسی نظم، نشر نی.
- راش، مایکل (۱۳۷۷) جامعه و سیاست مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه: منوچهر صبوری، انتشارات سمت.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴) نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- کوزر، لوئیس (۱۳۷۶) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.

Almond , Gabril and Verba, 1963 , Sideny , The Civic Culture , Princeton University Press , New jersey

Jakson , S(2000) The Gendering of Sociology , in Gender , edited by Jackson , s. and Scott.

Hamilton , Peter(1983), Talcoltt Parsons.

Bourdieu , p.(1996) , The State Nobility: Elite School in the Field of Power.